

واکنش احمدشاه به انقراض قاجاریه

۲۷ آذر ۱۳۹۳ ساعت ۱۵:۱۸

رضاخان پهلوی به محض آن که در سوم آبان ۱۳۰۲ به مقام نخست‌وزیری رسید، احمد شاه را ناچار کرد مجدداً رهسپار اروپا شود. (۱) برادر احمدشاه به عنوان نایب‌السلطنه در تهران ماند و رضاخان او را نیز وادار کرد در امور دولت دخالت نکند. در چنین شرایطی قاجارها هیچگونه قدرتی در اختیار نداشتند و تمام قدرت حکومت در دست رضاخان بود.

از اهدافی که رضاخان در طرح موضوع «جمهوری» دنبال می‌کرد نیز دستیابی به همین هدف بود. رضاخان با اعلام این موضوع در حقیقت به دنبال برچیدن بساط سلطنت قاجار و به قدرت رسیدن بود، به ویژه که حکومت لائیک آتاترک نیز که صمیمی‌ترین دوست وی در خارج از کشور و خط‌دهنده رضاخان در مبارزه با مبانی اعتقادی مردم بود الگوی حکومت او شده بود.

براساس محاسبات رضاخان حذف سلطنت احمد شاه قاجار مهمترین عامل در فراهم آوردن زمینه قدرت مطلق مورد نظر بود.

رضاخان پهلوی به محض آن که در سوم آبان ۱۳۰۲ به مقام نخست‌وزیری رسید، احمد شاه را ناچار کرد مجدداً رهسپار اروپا شود. (۱) برادر احمدشاه به عنوان نایب‌السلطنه در تهران ماند و رضاخان او را نیز وادار کرد در امور دولت دخالت نکند. در چنین شرایطی قاجارها هیچگونه قدرتی در اختیار نداشتند و تمام قدرت حکومت در دست رضاخان بود.

رضاخان در غیاب احمد شاه روز به روز موقعیت خود را تحکیم می‌کرد و در عین حال می‌کوشید تا با تبلیغاتی گسترده علیه احمد شاه او را نسبت به سرنوشت مملکت لاقید و بی‌اعتنا نشان دهد. عوامل رضاخان در شهرهای مختلف چنین تبلیغ می‌کردند که شاه علاقه‌ای به ایران ندارد و به دنبال عیاشی در فرنگ است. احمد شاه پس از تثبیت موقعیت رضاخان در ایران و به خصوص پس از رأی اعتمادی که با نیرنگ، توطئه و فشار در ۲۲ فروردین ۱۳۰۳ از مجلس گرفته شد، برای بازگشت به ایران در حالی تردید آمیز به سر می‌برد.

در اواخر ۱۳۰۳ هنگامی که شیخ خزعل علیه رضاخان در خوزستان قیام کرد، احمد شاه نیز به حمایت از او برخاست. رضاخان نیروی بزرگی برای سرکوب خزعل اعزام کرد. مجلس، خزعل و هوادارانش را خائن خواند.

اما پس از مدتی مطالعه تصمیم به بازگشت به ایران و حفظ سلطنت گرفت. انگلیسی‌ها وقتی که از تصمیم شاه برای عزیمت به

ایران مطلع شدند، نزد او رفتند و ضمن مبالغه در اوضاع آشفته ایران صلاح او را در این دانستند که تا مدتی از رفتن به ایران چشم بپوشد تا رضاخان بتواند امنیت لازم را در کشور فراهم آورد. انگلیسی‌ها قیام شیخ خزعل را نمونه‌ای از عدم امنیت برشمردند و احمد شاه که از واقعیات پشت پرده تا حدود زیادی بی‌خبر بود، به راستی باور کرد که در گوشه و کنار کشور شورش‌هایی وجود دارد که حتی در صورت ورود وی به ایران ممکن است جان او به خطر بیفتد. هر چه مدت توقف شاه در اروپا بیشتر می‌شد، تبلیغات طرفداران رضاخان هم مبنی بر این که شاه علاقه‌ای به سرنوشت ایران ندارد، بیشتر می‌شد و مردم نیز جوسازی‌ها را باور می‌کردند.

در اواخر ۱۳۰۳ هنگامی که شیخ خزعل علیه رضاخان در خوزستان قیام کرد، احمد شاه نیز به حمایت از او برخاست. رضاخان نیروی بزرگی برای سرکوب خزعل اعزام کرد. مجلس، خزعل و هوادارانش را خائن خواند. سپس با میانجی‌گری انگلیسی‌ها که درباره نفت و گسترش فعالیت شرکت نفت انگلیسی - ایرانی با رضاخان به توافق رسیده بودند، خزعل به رضاخان تسلیم و به تهران فرستاده شد. خوزستان نیز به وسیله ارتش رضاخان تصرف شد.

پس از سرکوب قیام خزعل و در زمستان ۱۳۰۳ رضاخان با شورش کردها به سرکردگی اسماعیل سمیتقو مواجه شد. این قیام که از غرب دریاچه ارومیه آغاز شده بود نیز توسط رضاخان سرکوب شد. به دنبال این رویداد ایلات ترکمن خراسان نیز که علیه رضاخان بپا خاسته بودند سرکوب و یا تسلیم شدند.

تبلیغات رضاخان و طرفدارانش علیه احمد شاه تا به آن اندازه بود که خصیت‌هایی مانند مدرس نیز نتوانستند کاری در خنثی کردن آن انجام دهند

پس از این حوادث، رضاخان در ادامه تبلیغات علیه سلطنت احمد شاه چنین وانمود کرد که در پس همه این شورشها، قاجارها قرار گرفته‌اند. در بهمن ۱۳۰۳ این جوسازیها به مجلس شورای ملی منتقل شد و رضاخان تأکید کرد که ادامه همکاری بین او و دودمان قاجار غیر ممکن است. مجلس تحت فشار رضاخان در ۲۶ بهمن همان سال فرماندهی کل قوا را به رضاخان سپرد و به قدرت روز افزون وی در کشور صحنه گذاشت. از سوی دیگر رضاخان به منظور فریب افکار عمومی و آرامش اوضاع، به موازات این تحولات، ظاهری ترقی خواه به خود گرفت. او از توزیع اراضی دولتی میان کشاورزان، تقلیل ساعات کار کارگران، آزادی بیان و مطبوعات، تشکیل احزاب، حق اعتصاب و انتخابات آزاد صحبت به میان آورد.

در نیمه اول ۱۳۰۴ تبلیغات گسترده‌ای درباره ترقی خواهی و میهن پرستی رضاخان به راه افتاد. خمیر مایه این تبلیغات ضرورت جلوگیری از بازگشت احمد شاه و لزوم خلع دودمان قاجار بود.

با تبلیغاتی که توسط عوامل رضاخان انجام گرفت بدبینی نسبت به احمد شاه فزونی یافت. هر چه مواضع رضاخان مستحکم‌تر می‌شد، تبلیغ علیه احمد شاه نیز گسترده‌تر می‌گشت. آرام آرام و با برنامه قبلی تلگرافهایی از سوی فرماندهان نظامی و حکام بعضی ایالات به مرکز مخابره شد که عدم صلاحیت شاه را در ادامه سلطنت تأکید می‌کردند و خواستار سلطنت رضاخان بودند. در

کنار این تلاشهای زیرکانه، در میان مردم چنین شایع کردند که احمد شاه ممکن است بدون توجه به زحمات و کوشش‌های رضاخان درصدد خلع او از نخست‌وزیری برآید و بار دیگر اوضاع سامان یافته کشور را آشفته سازد. مردم که به شدت از تشدید هرج و مرج در کشور بیم داشتند به ادامه حکومت رضاخان تمایل نشان می‌دادند و به این ترتیب زمینه ذهنی بیشتری برای برکناری احمد شاه فراهم می‌شد.

تبلیغات رضاخان و طرفدارانش علیه احمد شاه تا به آن اندازه بود که شخصیت‌هایی مانند مدرس نیز نتوانستند کاری در خنثی کردن آن انجام دهند.

پس از آن که عمال انگلیس اذهان مردم را به سود رضاخان آماده کردند، سرانجام در نهم آبان ۱۳۰۴ ماده واحده‌ای به صورت طرح تقدیم مجلس پنجم شد که در آن خلع قاجار از سلطنت و سپردن حکومت موقت به رضاخان خواسته شده بود. این ماده واحده به پیشنهاد «سید محمد تدین» نایب رئیس مجلس مطرح شد. براساس این پیشنهاد مسؤلیت تعیین شکل حکومت آتی بر عهده مجلس مؤسسانی بود که باید بعداً تشکیل می‌شد. پیشنهاد تدین در همان روز طرح، با ۸۰ رأی مثبت از مجموع ۸۵ نماینده حاضر در مجلس به تصویب رسید و بدین ترتیب به حاکمیت سلسله قاجار بر ایران خاتمه داد.

رضاخان پهلوی به محض آن که در سوم آبان ۱۳۰۲ به مقام نخست‌وزیری رسید، احمد شاه را ناچار کرد مجدداً رهسپار اروپا شود.

متن طرح قانونی انقراض قاجاریه به شرح زیر بود:

«مجلس شورای ملی به نام سعادت ملت ایران انقراض سلسله قاجاریه را اعلام نموده و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به شخص رضاخان پهلوی واگذار می‌نماید. تعیین حکومت قطعی موکول به نظر مجلس مؤسسان است که برای تغییر مواد ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۴۰ متمم قانون اساسی تشکیل می‌شود.»

بعد از تصویب طرح انقراض قاجاریه در مجلس، رضاخان سردار سپه با عنوان جدید «والاحضرت اقدس» ریاست حکومت موقتی را تا تعیین تکلیف حکومت آینده ایران به دست گرفت. احمد شاه قاجار با صدور اعلامیه‌ای در پاریس خلع خود را از سلطنت غیر قانونی اعلام کرد و خود را «پادشاه قانونی مشروطه ایران» خواند، اما رضاخان بی‌اعتنا به اعتراض پادشاه مخلوع، برادر و ولیعهد او محمد حسن میرزا را نیز به خفت از کشور اخراج کرد.

۱۰ روز پس از خلع احمد شاه از سلطنت سفیر انگلستان نزد رضاخان رفت و طی یادداشتی از سوی دولت انگلستان حکومت وی را به رسمیت شناخت. فردای همان روز نیز سفیر شوروی به دیدار رضاخان شتافت و به رسمیت شناختن حکومت او را توسط دولت متبوعش اعلام کرد. با حمایت همه‌جانبه‌ای که از سوی دولتهای بزرگ خارجی صورت گرفت، رضاخان روز ۱۵ آذر ۱۳۰۴

مجلس مؤسسان را با نطق خود افتتاح کرد. این مجلس پس از ۶ روز بحث رضاخان را به پادشاهی ایران انتخاب و سلطنت را در خانواده او موروثی اعلام کرد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۵۱۷۸/قاجاریه-انقراض-احمدشاه-واکنش>